

www.ketab.ir

اسماعیلی، بهمن
انتخابات مجلس هفتم
تألیف: دکتر بهمن اسماعیلی
تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۴.
۶۳۶ ص. ۲ ج: مصور، جدول، نمودار (مرکز اسناد انقلاب اسلامی ۳۳۷.
نخست اسلامی ایران: ۴)
ISBN 964-419-055-6 (ج ۱) ۳۰۰۰ ریال:
ISBN: 964-419-057-2 (دوره)
فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیفا
۱. ایران - مجلس شورای اسلامی، دوره هفتم
الف. مرکز اسناد انقلاب اسلامی ب. عنوان
۳۲۸/۵۵ Ta ۱۷۸۷/۵
م ۳ الف/۵
کتابخانه ملی ایران ۸۴۰۲۶۵۶ م

انتخابات مجلس هفتم

(جلد اول)

www.ketab.ir



انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی

عنوان: انتخابات مجلس هفتم (ج ۱)

تألیف: دکتر بهمن اسماعیلی

نوبت چاپ: اول، بهار ۱۳۸۴

شمارگان: ۲۰۰۰ قیمت: ۴۰۰۰ تومان

حروف چینی و لیثوگرافی: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی

چاپ و صحافی: چاپخانه مرکز اسناد انقلاب اسلامی

شابک: (ج ۱) ۹۶۴-۴۱۹-۰۵۵-۶

ISBN: 964-419-055-6

شابک دوره: ۹۶۴-۴۱۹-۰۵۷-۲

ISBN: 964-419-057-2 (2.V.set)

کلیه حقوق این اثر برای ناشر محفوظ است.

نشانی: تهران، خیابان شریعتی، نرسیده به میدان قدس، روبروی پمپ بنزین اسدی، پلاک ۲۰۹۳.

مرکز اسناد انقلاب اسلامی. صندوق پستی ۱۹۳۹۵/۳۸۹۶ تلفن: ۲۲۱۱۱۹۴ تلفکس: ۲۲۱۱۱۷۴

www.irdc.org

نمایندگی‌های فروش در تهران:

- خ انقلاب اسلامی، خ ۱۲ فروردین، تلفن: ۶۴۶۰۱۴۶، بخش روایت
- بخش کوهسار، خ انقلاب اسلامی، خ اردیبهشت، تلفن: ۶۴۹۴۵۴۱
- خ انقلاب اسلامی، تلفن: ۶۴۱۰۲۰۳، کتابفروشی دانشکده حقوق دانشگاه تهران
- شبکه اندیشه: م انقلاب اسلامی، ابتدای خ آزادی، تلفن: ۶۹۴۵۱۲۷
- خ انقلاب اسلامی، بین فرصت و وامسر، تلفن: ۸۸۴۵۳۸۶، کتابفروشی میزان
- مرکز صریح: خ انقلاب اسلامی، مقابل در دانشگاه تهران، تلفن: ۶۹۵۴۱۰۸
- م فردوسی، خ سپهد قرنی، تلفن: ۸۸۹۷۸۱۲، روایت فتح
- بخش مقدار: افسریه، ۱۵ متری اول، تلفن: ۰۹۱۲۳۰۵۷۷۱۵
- خ شریعتی، قبل از پل سید خندان، تلفن: ۸۵۰۵۵۱۳۰۱۵، فرهنگسرای اندیشه
- کتاب ما، خ شریعتی، نرسیده به میدان قدس، تلفن: ۲۲۱۶۰۰۷۸
- خ پاسداران، خ زمرد، تلفن: ۲۸۵۶۱۲۴۰۵، نشر فرهنگ و معارف اسلامی
- کتابفروشی ساقدوش، خ پاسداران، بوستان دوم، تلفن: ۲۹۴۹۷۶۱۰۲

فهرست مطالب

مقدمه	۱۵
چرا مجلس هفتم؟	۱۵

بخش اول:

عبور از خوان هفتم	۲۳
۱. جریان‌ها و جناح‌های سیاسی درون حاکمیت	۲۵
الف) اصول‌گرایان:	۲۷
ب) اصلاح‌گرایان:	۳۱
ج) رادیکال‌های ساختارشکن (تجدید نظرطلبان):	۳۵
۲- اپوزیسیون داخل	۴۵
۳- اپوزیسیون خارج	۵۰
الف) اپوزیسیون استحاله‌طلب	۵۱
ب) اپوزیسیون برانداز	۵۵
۴- قدرت‌های خارجی	۶۰
۵- نظام جمهوری اسلامی	۶۸
تهدیدات امنیت ملی در آستانه‌ی انتخابات	۶۹
الف) بحران تصمیم‌سازی یا کاهش توان سیاسی	۷۳
ب) بحران منازعه‌گرایی در نظام	۷۷
ج) بی‌ثباتی سیاسی	۷۹

بخش دوم:

لجیاسی با قانون	۸۵
گفتار اول: مصوباتی برای رد شدن!	۸۹
۱- شرع و قانون در مسلخ سیاست	۹۱
۲- طرح شکنجه‌ی روحی پاسداران قانون	۹۳

- ۳- مصوبه‌ای برای خوش آیند غرب ۱۰۳
- گفتار دوم: لوایح دوگانه ۱۱۳
- ۱- تهدید برای تأیید ۱۲۰
- لوایح دوگانه برای تثبیت حاکمیت دوگانه ۱۲۳
- گره زدن سرنوشت نظام به سرنوشت لوایح ۱۲۶
- استمداد از علما و مراجع ۱۲۸
- آشکار شدن ایرادات و فروکش کردن تهدیدات ۱۳۱
- ۲- لوایح دوگانه در کش و قوس سیاست ۱۳۵
- دوپینگ آغازی در پیکره‌ی لوایح ۱۳۶
- بازگشت به ایده‌ی رفراندوم ۱۳۸
- اعترافات عبدی و افول رادیکالیسم ۱۴۰
- لایحه‌ی انتخابات در شور دوم ۱۴۲
- شوک شوراها و تصویب نهایی لایحه‌ی انتخابات ۱۴۳
- ۳- اظهارنظر شورای نگهبان درباره‌ی لایحه‌ی انتخابات و واکنش‌ها ۱۴۵
- بی‌اعتنایی به ۴۰۰ پیشنهاد حقوقی ۱۴۹
- ۴- اظهارنظر شورای نگهبان درباره‌ی لایحه‌ی اختیارات و واکنش‌ها ۱۵۲
- ۵- استعفا، رفراندوم، مذاکره ۱۵۴
- استعفا یا فرار از پاسخگویی؟ ۱۵۸
- پایین کشیدن فتیله‌ی رفراندوم ۱۵۹
- تأکید خاتمی بر مرجعیت منحصر به فرد شورای نگهبان ۱۶۱
- نامه‌ی ۱۲۷ نفره‌ی نمایندگان و ائتلاف با اپوزیسیون ۱۶۳
- ۶- اختلاف در اردگاه دوم خرداد بر سر لوایح ۱۶۵
- تداوم مذاکره در کمیسیون ویژه‌ی لوایح ۱۶۶
- نامه‌های ناامیدی ۱۶۷
- ۷- زنگ انتخابات مجلس هفتم و پایان ماجرای لوایح دوگانه ۱۷۰

بخش سوم:

- جنگال علیه نظارت ۱۷۳
- گفتار اول: چالش بزرگ فراوی نظارت کارآمد ۱۷۷
- ۱- سابقه‌ی تشکیک در نظارت استصوابی ۱۷۷

شبهه در جایگاه قانونی نظارت استصوابی.....	۱۷۸
نظارت شورای نگهبان، استطلاعی یا استصوابی؟	۱۸۰
امام (ره) و نظارت استصوابی.....	۱۸۴
رد صلاحیت کاندیداهای ریاست جمهوری توسط موسوی خوئینی‌ها....	۱۹۴
استعلام حجت‌الاسلام محتشمی‌پور از امام (ره) درباره‌ی	
«صلاحیت» اعضای نهضت آزادی	۲۰۰
۲- اولین زنگ جنجال جدید.....	۲۰۲
۳- بسترسازی برای ورود به فاز حذف.....	۲۰۵
۴- لایحه‌ای برای حذف شورای نگهبان	۲۰۹
اما جان‌مایه و هدف اصلی لایحه‌ی تغییر قانون انتخابات چه بود؟	۲۰۹
سوگند نمایندگی زیر پای لایحه	۲۱۰
ایرادات ساختاری و محتوایی لایحه‌ی انتخابات	۲۱۲
۵- اصرار بر لایحه‌ی پر ایراد.....	۲۲۹
مجلس و افزودن بر ایرادات لایحه.....	۲۳۳
۶- انتخابات شوراها و بررسی یک ادعا درباره‌ی نظارت استصوابی	۲۳۵
نظارت استصوابی مجلس.....	۲۴۱
شوگ ۹ اسفند ۱۳۸۱.....	۲۴۸
تفسیر فرافکنانه از انتخابات شوراها.....	۲۵۱
گفتار دوم: حکایت دفاتر نظارتی	۲۵۹
۱- نخستین جنجال علیه دفاتر نظارتی.....	۲۶۱
۲- موج جدید جنجال علیه دفاتر نظارتی	۲۶۸
پاسخ شورای نگهبان به شبهات مطروحه درباره‌ی دفاتر نظارتی.....	۲۷۳
سخن‌گوی دولت و شبهه‌های جدید	۲۷۵
۳- ارایه‌ی سند موافقت سازمان مدیریت با دفاتر نظارتی و واکنش‌ها.....	۲۷۶
چرخش ۱۸۰ درجه‌ای سازمان مدیریت.....	۲۸۰
۴- فرمان وزارت کشور برای حمله به دفاتر نظارتی	۲۸۳
واکنش شورای نگهبان به اظهارات موسوی لاری	۲۸۸
بخشنامه‌های استان‌داران علیه دفاتر	۲۹۱
۵- رأی دیوان عدالت اداری در خصوص بخش‌نامه‌ی وزارت کشور.....	۲۹۵
عدم تمکین وزارت کشور به رأی قانونی دیوان.....	۲۹۹

۶- آغاز روند رسمی انتخابات و پایان جنجال علیه دفاتر ۳۰۶

بخش چهارم:

- در آستانه‌ی انتخابات ۳۰۹
- گفتار اول: نخستین چالش، زمان برگزاری انتخابات ۳۱۳
- گفتار دوم: هیأت‌های نظارت در معرض اعتراضات جناحی ۳۲۳
- گفتار سوم: آتش تهیه‌ی تهاجم ۳۳۷
- ۱- ساختار شکنی برای احیای اصلاحات ۳۴۱
- ۲- کنگره‌ی پنجم و زدن به سیم آخر ۳۴۹
- باج‌گیری حزبی بر بستر چالش هسته‌ای ۳۵۳
- ۳- هم‌نوایی مجری انتخابات با فضا سازی رادیکال‌ها ۳۵۵
- تهدید به عدم تمکین ۳۶۰

بخش پنجم:

- استراتژی کرشمه ۳۶۳
- گفتار اول: مشارکت در بحران ۳۶۹
- تلاش برای ترمیم وجهه‌ی جریان رادیکال ۳۷۱
- القای بحران مشارکت ۳۷۸
- جریان رادیکال بر مسند طلبکاری ۳۸۸
- گفتار دوم: حضور با تمام قوا ۳۹۳
- در انتظار معجزه ۳۹۴
- تکاپوی بزرگ برای فراخوان پیاده نظام ۳۹۹
- جلسه‌ی تاج‌زاده با تحکیمی‌های دانشگاه امیرکبیر ۴۰۳
- تلاش برای جلب نظر تشکل‌های زنان ۴۰۷
- گفتار سوم: استمداد از اپوزیسیون ۴۰۹
- فرصت طلبان داخلی ۴۱۰
- استحاله طلبان خارجی ۴۱۵
- خط تحریم ۴۲۲
- گفتار چهارم: جنبش ثبت‌نام ۴۲۹

بخش ششم:

۴۳۷	وزارت کشور در آزمون قانون‌گرایی
۴۴۱	گفتار اول: معرفی معتمدین و تشکیل هیأت‌های اجرایی
۴۴۹	گفتار دوم: دور زدن قانون انتخابات با دستورالعمل دولتی
۴۴۹	۱- دست‌کاری غیرقانونی در فرم‌های انتخابات
۴۵۷	۲- مصوبه‌ی خلاف قانون هیأت دولت و رأی دیوان عدالت اداری
۴۶۵	گفتار سوم: هیأت‌های اجرایی و فرمان‌های جناحی
۴۶۶	۱- فرمان وزارت برای مسابقه‌ی تأیید صلاحیت
۴۶۹	بررسی صلاحیت‌ها: هرکندیدا ۵/۱ دقیقه
۴۷۱	۲- افشاگری هیأت‌های نظارت و واکنش وزارت کشور
۴۷۹	۳- ماجرای برکناری دو فرمان‌دار
۴۷۹	دستور تشکیلاتی بهزاد نبوی و اجرای فوری آن
۴۸۵	گفتار چهارم: مهر تأیید بر پیشانی گروه غیرقانونی
۴۸۵	نظر صریح حضرت امام (ره) درباره‌ی نهضت آزادی
۴۸۹	تشکیکات نهضت آزادی و پاسخ دفتر آثار امام (ره)
۴۹۷	مسئولین وزارت کشور و آزمون عمل به فرامین امام (ره)
۵۰۱	در جلسه‌ی هیأت اجرایی تهران چه گذشت؟
۵۰۳	تبریک نهضت آزادی به وزارت کشور
۵۰۶	برخوردی که هیچ‌گاه صورت نگرفت
۵۰۹	گفتار پنجم: برخورد دوگانه با مراجع چهارگانه
۵۱۱	۱- دو دیدگاه درباره‌ی مراجع چهارگانه
۵۱۱	دیدگاه کفایت نظر مراجع
۵۱۲	دیدگاه عدم کفایت نظر مراجع
۵۱۷	۲- مراجع چهارگانه در جایگاه تقدیس
۵۱۹	با کفایت مراجع یا عدم تمکین
۵۲۲	پاسخ سیاسی به پرسش حقوقی
۵۲۸	۳- چرخش ۱۸۰ درجه‌ای و بی‌توجهی به نظرات مراجع چهارگانه
۵۲۹	برخورد گزینشی با نظرات مراجع قانونی
۵۳۱	حاشیه‌نویسی بر استعلام‌های مراجع چهارگانه
۵۳۳	فشار بر وزارت اطلاعات برای تغییر استعلام‌ها

- ۵۳۵ بی توجهی به استعلام‌های نیروی انتظامی و دادستانی
- ۵۳۶ واکنش مراجع قانونی به ادعاهای وزارت کشور
- ۵۳۸ افشای استعلام‌های محرمانه توسط بهزاد نبوی

بخش هفتم:

- ۵۴۳ بحران صلاحیت
- ۵۴۷ گفتار اول: اعمال فشار در فضای بیم و امید
- ۵۴۹ وزارت کشور و طرح دوباره عدم تمکین
- ۵۵۳ تربیون مجلس، کانال تهدید
- ۵۵۸ شورای نگهبان جرأت ندارد!
- ۵۶۷ گفتار دوم: اعلام نظر هیأت نظارت و واکنش‌ها
- ۵۷۰ ۱- واکنش دولت و مسئولان اجرایی
- ۵۷۳ ۲- واکنش مجلس ششم و گروه‌های سیاسی
- ۵۸۴ ۳- پاسخ شورای نگهبان به همه‌ها
- ۵۹۱ گفتار سوم: ماجرای استعفای استان‌داران
- ۶۰۵ گفتار چهارم: مسأله‌ی احراز
- ۶۰۷ ۱- چرا احراز صلاحیت؟
- ۶۰۸ تشکیکات شبه حقوقی
- ۶۱۲ پاسخ شورای نگهبان درباره‌ی احراز
- ۶۲۰ مصوبه‌ی مجمع تشخیص در رابطه با احراز صلاحیت
- ۶۲۱ ۲- احراز و استصحاب

«جلد دوم»

بخش هشتم:

- ۶۳۷ بال‌ماسکه‌ی تحصن
- ۶۴۳ گفتار اول: پرده‌ی نخست‌نمایش
- ۶۴۷ ۱- متحصنین چه می‌خواستند؟
- ۶۵۲ استفاده‌ی ابزاری از تربیون مجلس
- ۶۵۳ ۲- فشار از پایین، چانه‌زنی در بالا
- ۶۵۹ بیانات رهبر انقلاب و واکنش متحصنین

۶۶۲	روایت کروی از رؤیای متحصنین.....
۶۶۴	۳- پروژه‌ی درگیرسازی دولت با ماجرای تحصن.....
۶۶۵	شایعه‌ی استعفای رئیس‌جمهور.....
۶۶۷	آن‌چه خاتمی درباره‌ی تحصن گفت.....
۶۷۱	فعال شدن سربل‌ها در مجموعه‌ی دولت.....
۶۷۷	گفتار دوم: آتش بیاران معرکه.....
۶۷۸	۱- مواضع زیرزمینی در دفتر حزب مشارکت.....
۶۸۳	۲- حلقه‌ی دندان بر گرد تحصن.....
۶۸۴	سازش نکنید!.....
۶۹۲	۳- پیغام‌های دعوت به مقاومت.....
۶۹۹	۴- مانور نافرجام در عرصه‌ی دانشگاه‌ها.....
۷۰۶	۵- تاج‌زاده، موتور محرکه‌ی تحصن.....
۷۱۳	گفتار سوم: ماجرای استعفای مدیران میانی دولت.....
۷۱۴	ادعای استعفای اعضای کابینه.....
۷۱۸	حکایت استعفای ۱۰۰ معاون وزیر.....
۷۲۹	گفتار چهارم: تشویق‌گران خارجی بیرون از گود.....
۷۳۰	۱- حمایت توده‌ای‌ها و چریک‌های فدایی از تحصن.....
۷۳۴	۲- دلایل اپوزیسیون خارج برای حمایت از تحصن.....
۷۴۱	گفتار پنجم: بیگانگان و ماجرای تحصن.....
۷۴۲	۱- سیگنال‌های درونی برای مداخله‌ی بیرونی.....
۷۴۸	۲- حمایت مداخله‌جویان خارجی از تحصن.....
۷۵۹	گفتار ششم: تا انتهای رادیکالیسم.....
۷۶۰	۱- طرح مطالبات فزاینده.....
۷۶۹	۲- ایستگاه آخر تحصن.....
۷۷۷	گفتار هفتم: ناکامی تحصن و شکست تاریخی رادیکال‌ها.....
۷۷۸	۱- انقلاب مخملی، رؤیای ناتمام.....
۷۸۵	۲- عاقبت یک گم‌مدی تلخ.....
۷۸۹	توجیهات ناموجه حامیان تحصن.....
۷۹۴	اعتراف به شکست.....
۷۹۹	۳- نتایج تحصن، از دیدگاه معرکه‌گردانان.....

بخش نهم:

- آخرین تلاش‌ها در آخرین روزها ۸۰۵
- گفتار اول: لیست دولت ۸۰۹
- ۱- رایزنی‌های سران دو قوه ۸۱۰
- اولتیماتوم دوم خردادی‌ها به خاتمی ۸۱۵
- ماجرای نامه‌ی مشترک خاتمی و کروبی ۸۲۰
- ۲- در کشاکش تأیید و انکار ۸۲۴
- هر کرسی مجلس ۱۹ کاندیدا ۸۲۶
- وزارت کشور و کاندیداهای ویژه ۸۲۹
- ۳- از بن بست رایزنی‌ها تا حکم حکومتی ۸۳۹
- گفتار دوم: استعفای نمایندگان متحصن ۸۵۱
- نمایندگان مستعفی و تحریک دولت ۸۶۱
- گفتار سوم: غائله‌ی تعویق انتخابات ۸۶۷
- ۱- بسترسازی برای اجرای پروژه‌ی تعویق ۸۶۸
- ۲- درخواست رسمی برای تعویق انتخابات ۸۷۳
- درخواست مجدد برای تعویق و واکنش‌ها ۸۷۹
- مخالفت حقوقی با درخواست تعویق ۸۸۳
- ۳- تثبیت برگزاری انتخابات در اول اسفند ۸۸۶
- فضاسازی رسانه‌های بیگانه ۸۸۶
- تلاش برای درگیرسازی کامل دولت ۸۸۸
- موضع مقام معظم رهبری و ختم غائله‌ی تعویق ۸۹۱
- بازتاب نامه‌ی خاتمی و کروبی به رهبر انقلاب ۸۹۵
- گفتار چهارم: تکاپوی مداخله‌جویان بیگانه ۹۰۱
- ۱- حمایت‌های دیپلماتیک غرب از رادیکال‌ها ۹۰۳
- قطع نامه‌ی پارلمان اروپا و طرح سناتور براون بک ۹۰۵
- پاسخ ایران به مداخله‌جویی غربی‌ها ۹۱۱
- ۲- جنگ روانی رسانه‌های غرب علیه انتخابات ۹۱۲
- حمله به شورای نگهبان به دلیل رد صلاحیت‌ها ۹۱۴
- دفاع از مواضع رادیکال‌ها ۹۱۶
- حمایت از استعفای نمایندگان ۹۱۷

۹۱۸	همراهی با غایله‌ی تعویق انتخابات
۹۱۹	القای یأس و دعوت به تحریم انتخابات
۹۲۳	گفتار پنجم: فراخوان تحریم
۹۲۵	۱- دعوت «مشارکت» به عدم مشارکت
۹۳۵	۲- اپوزیسیون دو مانده
۹۴۷	گفتار ششم: جنگ روانی علیه مشارکت مردم
۹۴۸	۱- جنبش انصراف
۹۵۳	۲- شبهه‌ی تقلب
۹۵۵	ماجرای شناسنامه‌های قلبی
۹۶۲	۳- بمباران انتخابات

بخش دهم:

۹۷۳	آزمون فیصله بخش
۹۷۷	گفتار اول: فراخوان حضور
۹۸۵	گفتار دوم: فعالان عرصه انتخابات
۹۹۶	۱- ائتلاف برای ایران
۹۹۹	۲- ائتلاف‌های اصول‌گرایان و مستقلین
۱۰۰۷	گفتار سوم: روز با شکوه
۱۰۰۸	۱- پاسخ «نه» به ستیزه‌گران
۱۰۱۳	۲- ملت غیرقابل پیش‌بینی
۱۰۱۴	جلوه‌هایی کوچک از حماسه‌ای بزرگ
۱۰۱۷	حیرت‌گزارشگران خارجی
۱۰۲۱	۳- آخرین دسته گل‌های وزارت کشور
۱۰۲۹	گفتار چهارم: انتخابات اول اسفند و واکنش‌ها
۱۰۳۰	۱- اول اسفند، روز پیروزی ملت
۱۰۴۰	۲- اعتراف به شکست تحریم
۱۰۴۵	۳- چشم‌های بسته و دهان‌های باز
۱۰۵۶	۴- بازتاب اول اسفند در آن سوی مرزها
۱۰۵۷	«سورپریز» برای دنیا
۱۰۶۳	روایای پریشان حکام غرب

گفتار پنجم: اول اسفند در آئینه‌ی آمار	۱۰۶۹
۱- محاسبه‌های ناحسابی	۱۰۷۳
آیه‌های یأس برای صندوق‌های رأی	۱۰۷۶
۲- حضور قاطع ملت، پاسخ روشن به ادعاها	۱۰۸۳
فهرست اعلام	۱۰۹۷

پیشگفتار

هر کس در هشیاری بصیرت یابد، حکمت بر او آشکار شود و هر کس حکمت بر او آشکار گردد، عبرت را خواهد شناخت و هر کس عبرت را بشناسد، گویی از اول روزگاران تا به امروز بوده است.

«نهج البلاغه حکمت (۳۱)»

چرا مجلس هفتم؟

این اولین پرسشی بود که پیش از دست بردن به قلم برای نوشتن این کتاب، در ذهن نگارنده نقش بست. احتمالاً برای خوانندگان محترم نیز چنین سئوالی مطرح است که انتخابات هفتمین دوره‌ی مجلس شورای اسلامی، دارای چه اهمیت و ویژگی‌هایی است که انجام تحقیقی مفصل و نگارش کتابی مستقل پیرامون آن ضروری می‌باشد؟

طی ۲۵ سالی که از پیروزی انقلاب اسلامی می‌گذرد، مردم ایران تاکنون در حدود ۲۳ انتخابات و همه‌پرسی شرکت کرده‌اند که هر یک در مقطع و زمان برگزاری، دارای حساسیت و اهمیت خاص خود بوده و تأثیرات دامنه‌داری بر عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کشور گذاشته‌اند؛ اما در میان این همه، جز یک یا دو نمونه را نمی‌توان مثال زد که به اندازه‌ی انتخابات مجلس هفتم، اهمیت اساسی یافته و مؤلفه‌های مؤثر در عرصه‌ی سیاسی ایران یا متمایل به تأثیر در این عرصه، تا این حد، پیرامون آن حساسیت به خرج داده باشند.

اما به راستی چرا؟

پاسخ به این سؤال علاوه بر اهمیت در روش تحقیق، از این رو مهم است که باید

خواننده را به پی‌گیری فصول بعدی این کتاب متقاعد و متمایل سازد.

جواب به این سؤال مقدمه‌ای دارد و ذی‌المقدمه‌ای. مقدمه این‌که، اصولاً برگزاری انتخابات در رژیم‌های سیاسی «جمهوری» که مسؤولین آن‌ها با رأی مستقیم یا غیرمستقیم مردم برگزیده می‌شوند، حایز اهمیت است. انتخابات سازوکاری است که گردش منصب‌ها را میسر می‌سازد و معمولاً در جریان آن، کارگزاران و برنامه‌های اجزای مختلف حاکمیت، در چارچوب اصول پذیرفته شده‌ی مشخص، تغییر می‌کنند.

طبیعتاً این تغییر چهره‌ها و برنامه‌ها، تأثیرات گسترده‌ای بر سیاست داخلی و خارجی کشور می‌گذارد و معمولاً پس از هر انتخاباتی، باید منتظر تغییرات متعددی در سیاستگذاری‌ها و جهت‌گیری‌های حکومت بود. البته این تغییرات می‌بایست در چارچوب ساختار حقوقی نظام و مبتنی بر قوانین اساسی کشور باشند وگرنه بر انتخابات منجر به این تغییرات، باید نام دیگری نهاد.

در جمهوری اسلامی ایران نیز که مطابق اصل ۶ قانون اساسی، اداره‌ی امور به اتکای آرا عمومی است و مسؤولان اصلی کشور با رأی و نظر مردم برگزیده می‌شوند، انتخابات اهمیت فراوانی دارد. علاوه بر تأثیر مستقیم دیدگاه مردم درباره‌ی موضوعات سرنوشت‌ساز که از کانال «همه‌پرسی» تصریح می‌شود، تقریباً تمامی نهادها و ساختارهای حقوقی مؤثر نظام سیاسی ایران، از مقام رهبری و ریاست جمهوری گرفته تا نمایندگان مجلس شورای اسلامی و اعضای شوراهای اسلامی شهر و روستا، بی‌واسطه یا با واسطه از طریق حضور مردم در پای صندوق‌های رأی تعیین می‌شوند.

در این میان، انتخابات مجلس شورای اسلامی به دلیل جایگاه ویژه‌ی مجلس، به عنوان اصلی‌ترین نهاد قانونگذاری کشور، دارای اهمیت ویژه‌ای است. اگرچه جمهوری اسلامی ایران یک نظام «پارلمانی» محض نیست و به‌ویژه در قانون اساسی مصوب سال ۱۳۶۸، با حذف پست نخست‌وزیری و تغییر جایگاه ریاست جمهوری از یک مقام تشریفاتی صرف به ریاست واقعی دولت و قوه‌ی مجریه، ساختار نظام، شکل «ریاستی - پارلمانی» به خود گرفت و مهم‌تر این‌که، وجود نهاد عالی رهبری به عنوان سیاست‌گذار کلان و شورای نگهبان به عنوان تطبیق‌دهنده‌ی مصوبات مجلس با شرع و قانون اساسی، شیوه‌ای خاص از توزیع اقتدار سیاسی و توان سیاستگذاری به دست

می‌دهد؛ با این وجود، مجلس شورای اسلامی در چارچوب اختیارات و وظایفی که قانون اساسی برای آن مشخص کرده است، دارای جایگاه ویژه‌ای است و نمایندگان مجلس، قدرت مانور بالایی در تعیین مقررات و تصویب قوانین، نظارت بر دستگاه‌ها و ایجاد تغییرات در سیاست‌های جاری داخلی و خارجی دارند.

به همین دلیل در طول ۲۵ سالی که از پیروزی انقلاب اسلامی می‌گذرد و در جریان برگزاری ادوار مختلف انتخابات مجلس شورای اسلامی، این انتخابات همواره مورد توجه جدی احزاب، گروه‌ها، مردم و مسئولان بلندپایه‌ی نظام بوده است. در طول این سالیان، انتخابات مجلس یکی از موتورهای محرکه‌ی فعالیت و تعاملات و کشمکش‌های سیاسی داخلی کشور بوده و به طور معمول نقاط اوج شور و نشاط سیاسی را می‌توان در مقاطع نزدیک به برگزاری انتخابات مجلس سراغ گرفت.

بر این اساس و بنا به سنت ادوار گذشته، در انتخابات هفتمین دوره‌ی مجلس شورای اسلامی نیز اوج‌گیری فعالیت‌ها و تعاملات و حتی تنش‌های سیاسی قابل پیش‌بینی و با توجه به جایگاه ویژه‌ی مجلس، برگزاری انتخابات دوره‌ی هفتم آن، حایز اهمیت بود. فراتر از این اهمیت ذاتی و طبیعی، انتخابات مجلس هفتم در شرایطی برگزار شد و در منتهی‌الیه‌ی روندی به سرانجام رسید که آن را در میان انتخابات ادوار دیگر، کاملاً متمایز و انگشت‌نما می‌کند. اهمیت استثنایی انتخابات مجلس هفتم در حقیقت ناشی از حساسیت ویژه‌ای بود که مؤلفه‌های مختلف مؤثر بر عرصه‌ی سیاسی ایران و مداخله‌جویان خارج از این عرصه، در رابطه با این انتخابات به خرج دادند و البته این حساسیت‌ها نیز بی‌دلیل نبود.

انتخابات مجلس هفتم به معنای اخص کلمه در یک مقطع زمانی و شرایط «حساس» برگزار شد. به تعبیری، انتخابات مجلس هفتم یک «گردنه‌ی صعب‌العبور» یا یک «مبارزه‌ی نفس‌گیر» بود که گذر از آن، تکلیف خیلی از چیزها را برای خیلی از کسان مشخص می‌ساخت و همین‌گونه نیز شد.

اگر در انتخابات مختلف گذشته، مؤلفه‌های مهم مؤثر و حاضر در عرصه، «نظام، مردم و گروه‌های درون نظام» بودند، برای اولین بار، در انتخابات مجلس هفتم، اپوزیسیون ضدانقلاب خارج از کشور و قدرت‌های خارجی، صراحتاً و از طرق گوناگون

در صدد تأثیرگذاری بر امر انتخابات برآمده و در مواردی با برخی گروه‌های داخلی مدعی در انتخابات، به نقطه‌ی اشتراک رسیدند.

هم‌چنین انتخابات مجلس هفتم «آزمونی فیصله‌بخش» برای کشمکش چندین ساله در درون نظام بود که یک سوی این کشمکش، با تأکید بر ساختارهای اساسی حاکمیت و چارچوب‌های قانونی و حقوقی، فعالیت و رقابت سیاسی را مبتنی بر این ساختارها و بر اساس این چارچوب‌ها طلب می‌کرد و سوی دیگر، با دامن زدن به مباحثی چون «حاکمیت دوگانه» به دنبال ساختارشکنی و استحاله‌ی تدریجی نظام بود. در حقیقت انتخابات مجلس هفتم، عرصه‌ای بود تا مردم در آن، نظر خود را درباره‌ی مواضع و عملکرد معتقدان به دو اندیشه، که یکی بر حفظ هویت انقلابی و اسلامی نظام تأکید داشت و دیگری به دنبال تهی نمودن نظام از محتوای مکتبی، از طریق فتح سنگر به سنگر نهادهای آن بود، به روشنی بیان دارند. نتیجه‌ی این آزمون بزرگ برای همه‌ی مؤلفه‌ها حایز اهمیت و حساسیت بود، چراکه هر نتیجه‌ای، شرایطی خاص را برای آن‌ها رقم می‌زد. همین عامل موجب شد تا روند انتخابات مجلس هفتم، ویژگی دیگری پیدا کند و آن شروع زود هنگام بود.

در حقیقت سوت این بازی بزرگ، بسیار زودتر از موعد طبیعی به صدا درآمد. البته این سوت زود هنگام را داوران بازی به صدا در نیاوردند، بلکه طیف استحاله‌گرا و ساختار شکن که پیش از این بدان اشاره شد، قبل از آن‌که رقیب سیاسی‌اش وارد میدان شود، خود سوت شروع مسابقه را به صدا درآورد و عجیب آن که پس از شروع، بلافاصله داور مسابقه را در معرض تهاجم قرار داد. این داور نیز کسی جز نهاد «شورای نگهبان» نبود. نهاده‌ی که بر اساس قانون اساسی متولی نظارت بر انتخابات مجلس شورای اسلامی است.

اگر چه شورای نگهبان به دلیل ایستادگی در برابر قانون‌شکنی و زیاده‌خواهی‌های گروه‌های ساختارشکن، همواره در معرض انتقاد و اعتراض این گروه‌ها قرار داشته است؛ اما به جرأت می‌توان گفت، هجمه‌ی سنگینی که در آستانه‌ی برگزاری انتخابات مجلس هفتم علیه این نهاد ساماندهی شد، در هیچ مقطعی سابقه نداشته است. این تهاجم وسیع و بلند دامنه، در خوش‌بینانه‌ترین ارزیابی، از دو سال مانده به

انتخابات مجلس هفتم آغاز شد. به طور دقیق از زمانی که مشخص گردید شورای نگهبان حاضر به کوتاه آمدن از مواضع شرعی و قانونی خود در برابر مصوبات مجلس ششم نیست عملیات روانی و تبلیغاتی گسترده‌ای علیه این نهاد، تمهید شد که مجریان و عوامل آن، جریان رادیکال حاکم بر مجلس ششم و دنباله‌های آن در برخی وزارتخانه‌ها و مطبوعات بودند.

این جریان خاص چنین می‌اندیشید که اگر شورای نگهبان با همین قدرت و استقامت در برابر مصوبات ساختارشکن ایستادگی کند، اولاً، تلاش آنان برای فتح سنگرهای نظام و استحاله‌ی تدریجی آن بلاموضوع خواهد شد و ثانیاً، در انتخابات مجلس هفتم که شورای نگهبان بر اساس قانون، صلاحیت کاندیداها را بررسی می‌کند، با وجود آن سوابق ساختارشکنانه، به احتمال زیاد، ورود آن‌ها به عرصه‌ی رقابت انتخاباتی با مشکل مواجه خواهد گردید.

بدین ترتیب این جریان سیاسی به جای اصلاح روند گذشته و بازگشت به چارچوب‌های قانونی، بر اساس تحلیل و برآوردی کاملاً اشتباه، استراتژی تخریب شورای نگهبان را در دستور کار قرار داد.

برنامه این بود تا با آتش‌باری سنگین سیاسی و تبلیغاتی علیه شورای نگهبان، اولاً این نهاد را متقاعد سازند که به جای پذیرش این هزینه و فشار سنگین، به مصوبات مخالف شرع و قانون گردن نهد و ثانیاً در مرحله‌ی انتخابات، برای شورا مقاومتی باقی نمانده باشد که ریسک رد صلاحیت عناصر ساختارشکن را بپذیرد.

این‌گونه بود که یکی پس از دیگری، طرح‌ها و لوایحی در مجلس ششم تصویب گردید که عامدانه، برای رد شدن از سوی شورای نگهبان طراحی شده بودند تا بهانه‌هایی برای تهاجم سنگین علیه این نهاد تدارک دیده شود.

در مقطعی که از یک سو، مطالبات انباشته شده‌ی مردم در خصوص مشکلات اقتصادی و معیشتی، تلاش و همتی بلند را، از سوی نمایندگان مجلس ششم طلب می‌کرد و از سوی دیگر شرایط بین‌المللی پس از ۱۱ سپتامبر و اشغال همسایگان غربی و شرقی ایران (عراق و افغانستان) توسط آمریکا و تهدیدات جرج بوش علیه جمهوری اسلامی، نمایش اتحاد و اقتدار در کشور را ضروری می‌ساخت، تریبون مجلس و به تبع

آن رسانه‌ها و مطبوعات وابسته، عرصه‌ی شدیدترین حملات و انتقادات علیه شورای نگهبان بودند. گویی در این مقطع حساس، دشمنی بزرگ‌تر و خطرناک‌تر از این نهاد قانونی و رسمی نظام وجود نداشت!

در این میانه، حتی انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا که در اسفند ماه سال ۱۳۸۱ بدون نظارت و دخالت شورای نگهبان برگزار شد و شکست سنگینی را برای مدعیان اصلاحات دربرداشت، مانع از آن نشد که از حملات علیه شورای نگهبان کاسته شود.

برعکس پس از انتخابات شوراهای با آغاز سال ۱۳۸۲، این هجمه‌ها افزون‌تر شد و نکته‌ی مهم این‌که در ادامه‌ی این روند، پیوند عجیبی میان مواضع جریان ساختارشکن با اپوزیسیون داخلی و خارجی و حتی رسانه‌ها و سردمداران قدرت‌های مداخله‌جو ایجاد شد. پیوندی که در جریان اغتشاشات تیر و خرداد ۱۳۸۲ به خوبی آشکار شد و با آغاز رسمی فعالیت‌های انتخاباتی مجلس هفتم در پاییز و زمستان همین سال، به نهایت و اوج خود رسید.

از این مقطع به بعد شاهد سنگین‌ترین تهاجم سیاسی تبلیغاتی طی سال‌های اخیر علیه شورای نگهبان و بلکه کلیت نظام بودیم. تهاجمی که به قصد فشار بر روی شورا برای تأیید صلاحیت عناصر ساختارشکن سامان‌دهی شده بود و پس از آن که شورای نگهبان تسلیم این فشارها نشد، تهاجم، اشکال جدیدی به خود گرفت که در تمامی ادوار گذشته‌ی مجلس سابقه نداشت و همین مسائل نیز از جمله دلایلی است که انتخابات مجلس هفتم را از سایر انتخابات متمایز می‌سازد.

تحصن نمایندگان و استعفای گروهی آنان، اعلام استعفای برخی اعضای دولت و استان‌داران، درخواست برای تعویق انتخابات، ارایه‌ی لیستی از سوی دولت برای تأیید صلاحیت افراد و در نهایت تحریم انتخابات از جانب برخی گروه‌های درون حاکمیت، از جمله مسایلی بود که در جریان انتخابات مجلس هفتم برای شکستن مقاومت شورای نگهبان در وهله‌ی اول و در مرحله‌ی بعدی جلوگیری از حضور مردم در پای صندوق‌های رأی به وقوع پیوست.

شاید در هیچ کشور دیگری از جهان سابقه نداشته باشد که دولت، مجلس و مجریان

امر انتخابات همراه و هم‌نوا با مخالفین داخلی و خارجی نظام، تمام هم و غم خود را به کار گیرند تا انتخابات برگزار نشود و یا در صورت برگزاری، حضور مردم در آن کم‌رنگ باشد، اما در انتخابات هفتمین دوره‌ی مجلس شورای اسلامی ایران این پدیده‌ی عجیب و نادر سیاسی به وقوع پیوست!

با این وجود، انتخابات مجلس هفتم در زیر بمباران شدید تبلیغاتی که به تعبیر مقام معظم رهبری «از بمباران شهرها در زمان جنگ تحمیلی وسیع‌تر و مخرب‌تر بود»؛ با تأکیدات خود حضرت آیت‌الله خامنه‌ای و ایستادگی شورای نگهبان، در موعد مقرر یعنی اول اسفند ۱۳۸۲ برگزار شد و البته نتیجه‌ی این انتخابات، هم به لحاظ کمیّت شرکت‌کنندگان و هم ترکیب منتخبین مردم، به اندازه‌ی اصل برگزاری انتخابات، حایز اهمیت بود.

انتخابات اول اسفند ۱۳۸۲ در حقیقت «آزمونی فیصله‌بخش برای منازعه‌ای بزرگ» بود که حداقل از دو سال پیش از انتخابات آغاز شده بود.

آزمونی که مانند همیشگی تاریخ پرفراز و نشیب انقلاب اسلامی، برنده‌ی اصلی آن مردم مسلمان، متعهد و آگاه ایران اسلامی بودند. مردمی که در زیر بزرگ‌ترین آتش‌باری تبلیغاتی رسانه‌های بیگانه و ضدانقلاب و متأسفانه هم‌راهی و هم‌نوایی برخی دستگاه‌های وابسته به نظام، جمهوری اسلامی را تنها نگذاشتند و با حضور پرشور خود پای صندوق‌های رأی، نظام اسلامی را از گردنه‌های صعب‌العبور، به سلامت گذر دادند. ان‌شاءالله با این تفصیل، پاسخی قانع‌کننده به سؤالی که در ابتدا مطرح شد، داده باشیم و برای خواننده‌ی گرامی اجمالاً مشخص شده باشد که چرا انتخابات مجلس هفتم از چنان اهمیتی برخوردار است که برای شکافتن ابعاد مختلف آن، لازم است دست به قلم برده و نگارش این کتاب را آغاز کنیم تا خدای ناکرده آن چه در این انتخابات گذشت، در پیچ و خم ایام، بایگانی و گم نشود بلکه ان‌شاءالله چراغی فرا راه آینده‌ی مردم و نظام اسلامی باشد. تا چه قبول افتد و چه در نظر آید.